

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۸/۲۷

اختر محمد یوسفی

محمد محقق در سفر در بدر چوکی

محمد محقق، رئیس حزب وحدت مردم افغانستان و معاون پیشین تیم انتخاباتی "صلح و اعتدال"، معاون دوم رییس اجرائیه حکومت دوسره عبدالله عبدالله اعلام کرده که فعالیت این تیم به دلیل اولویت دادن به صلح متوقف شده است و او از دسته انتخاباتی "ثبات و همگرایی" به رهبری عبدالله عبدالله حمایت می‌کند.

" او دلیل پیوستن‌اش به تیم "ثبات و همگرایی" را روشن نبودن موقف تیم قبلی‌اش خواند "

ببینید که دربین هر دو ادعای آقای محقق بدون تحقیق تناقض وجود دارد، هر دو علت که توسط وی پیشکش شده و جناب شان را مجبور از یک در بدر دیگر رخت سفر بسته اند حقیقت ندارد .

**الف :توقف کمپاین به دلیل اولویت دادن به صلح؟
ب : روشن نبودن موقف تیم حنیف اتمر؟**

علت واقعی آن چی خواهند بود که این سید پیشوا با تمام تلاشها و عرقریزیهایش ناکام شده است و هنوز هم سرگردان بوده بخاطر بدست آوردن امتیاز و کرسی در بدر سر میزنند .
محقق به پیشگاهی ملت مظلوم و بیدفاع افغانستان از هیچ نوع گفتن دروغ صرفه نمی‌کنند؟



د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

هر دو دلیل متذکره فوق را که آقای محقق تذکر داده اند نادرست است. در صورتیکه یک انسان مصمم و باسواد باشد میدانند که اولویت به امر صلح و روشن نبودن موقف تیم انتخاباتی دو پدیده متفاوت هستند و هر یک از خود مسیر و روش جدگانه را دارند.

اولاً: از سید پیشوا که در هنگام پیش آمد به مظلومین بیچاره کشور ما در عوض دست دادن به آنان آستین چپش را دراز میکنند می پرسیم لطفاً توضیح بفرمایند اگر واقعاً هم موقف تیم حنیف اتمر روشن نبود چرا شما در اول به تیم بدون موقف روشن حنیف اتمر پیوستید این گناه کیست؟

در حالیکه کاندیدی بودن ریاست جمهوری در افغانستان یک حادثه اتفاقی و آنی نبوده است، مدت‌ها قبل همه تیم‌های جعلی متعدد جنگساران برای کسب مقام ریاست جمهوری صف بسته بودند.

هر دو تیم هم تیم حنیف اتمر و هم تیم عبدالله عبدالله با اعضای تیم‌های شان در مورد کاندید شدن به ریاست جمهوری افغانستان سرگرم مذاکرات طولی الممدت بوده اند. هر دو تیم همزمان بحیث کاندیدان ریاست جمهوری در کمسیون انتخابات افغانستان ثبت نام کرده اند.

به این حقیقت مسند توجه نمائید، مدت‌ها قبل نوار صوتی محمد یونس قانونی در شبکه های اجتماعی پخش شده بود که آقای قانونی بیکی از قوماندانان جمعیت "اسلامی" در شمال کشور تلفونی گفته بود که "تنها کسیکه میتواند اشرف غنی را از ارگ بیرون کند حنیف اتمر است." پخش این نوار از یکطرف خشم اعضای جمعیت "اسلامی" را علیه یونس قانونی برافروخته بود و از جانب دیگر رقابت انتخاباتی در میان اشرف غنی و حنیف اتمر به سرحد دشنام و تعرض شخصیت نیز کشانده شده بود.

ثانیاً: هرگاه اگر یک تیم کاندید به بلندترین مقام کشور واقعاً متعهد در راه خدمت به ملت متحد باشند، در وقتیکه تیم متذکره راه الویت صلح را که برای منافع ملی کشور مقدم شمرده انتخاب نمایند، رها کردن آن تیم خود ثبوت برای کسب منافع شخصی و پشت پای زدن به منافع علیای و ملی کشور است. چنین اشخاص و افراد حق و صلاحیت رهبر شدن را برای کشور ندارند.

واقعیت‌های عینی و مستند فراوان موجود است و حاجت به بحث و تفصیلی طولی آنهم وجود ندارد. ساختارهای تنظیمی ساخته شده دست پاکستان و ایران در افغانستان بصورت کل وسایل تداوم جنگ بیگانه گان بوده و قطعاً برای منافع ملی میهن نمی اندیشند.

تمام تلاش‌های این حلقات بیگانه پرست برای منافع شخصی خود شان و حمایت از منافع دست پرورده گان خارجی شان است.

در اینجا می‌خواهم چند موضوع را مختصر بحیث مثبت نمونه خروار خدمت شما عرض میدارم.

۱- انحلال تیم حنیف اتمر صرف به بهانه توقف کمپاین بنام الویت صلح کاملاً صحت ندارند. مذاکرات "صلح" امریکا با طالبان یکسال قبل پیش از شروع کمپاینهای انتخاباتی ریاست جمهوری افغانستان آغاز گردیده است. علل انحلال تیم حنیف اتمر ناشی از چند دست بودن جمعیت "اسلامی" اند که در طی چندین دهه اخیر به امتیازات خارق العاده در مقامات دولتی افغانستان عادت کرده اند. جمعیت "اسلامی" در مرحله اول به سه و چهار دسته به تیم‌های مختلف انتخاباتی ریاست جمهوری پیوسته اند.

*دسته اول صلاح الدین وزیر امور خارجه افغانستان به تیم عبدالله عبدالله پیوسته اند.

*دسته دوم یونس قانونی بود که به تیم حنیف اتمر پیوسته بود.

*دسته سوم امراله صالح که به تیم اشرف غنی پیوسته اند.

*سایرین در تیم احمد ولی مسعود فعالیت دارند.

با تسلط انارشی کامل در حاکمیت دولتی افغانستان اهداف و طرز العمل جمعیت "اسلامی" در کشور چنین است. بهر شکلی که باشد باید جمعیت "اسلامی" به مقامات بلند پایه دولتی افغانستان برسند. اگر احیاناً جمعیت "اسلامی" در محور قدرت دولتی افغانستان نباشند، اعضای رهبری جمعیت "اسلامی" با اشتراک چند اوباش میتوانند در یک روز تمامی شیشه های اعمارات شهر کابل و حتی سنگهای بنای یادگاری پشتونستان را بشکنند، راه شمال کشور را در پل متک بروی ترافیک عامه مسدود نمایند و بالاخره میتوانند بکمک متحدین داخلی روز میادا خویش چون لطیف پدram - محمد محقق و کمک خارجیها چون ایران و کشورهای آسیای میانه حکومت جداگانه خود را در خیمه لویه جرگه تکیه خیراتی امریکا اعلان کنند.

۲- بهمگان معلوم است که اخوندهای ایرانی برخلاف نورمهای حقوقی مهاجرتی کمیشنری عالی ملل متحد افغانان مهاجر و مجبور را در صف لشکر فاطمیون تنظیم نموده اند و آنها را به جنگ عراق و سوریه میفرستند. تا حال تعداد زیاد از افغانان مهاجر و مجبور در صف لشکر فاطمیون در جنگهای عراق و سوریه گشته شده است.

محمد محقق در وقتیکه خودش معاون دوم ریاست اجرائیه عبدالله عبدالله بود دریک سفر در تهران به علی خامنه در وصف قاسم سلیمانی سر لشکر ایرانی جنگ عراق و سوریه چنان اغراق گونه از سلیمانی توصیف نمود و به او لقب خالد بن ولید را عطا کرد، مگر از کشته شدن غیر قانونی افغانان مهاجر در جنگ عراق و سوریه توسط ایران هیچ یاد و یا دفاع هم نکرد. قابل تذکر میدانم که با فروکش کردن جنگ عراق و سوریه ایرانیان اکنون لشکر فاطمیون مهاجرین افغان را برای محافظت بندر چای بهار در ایالت سیستان مستقر نمودند. بندر چای بهار در ایالت سیستان ایران در منطقه بلوچ نشین نهایت فقیرموقعیت دارد. اکثریت ساکنان آنان را بلوچهای سنی مذهب تشکیل میدهند و دولت شعیه های ایران بالای بلوچهای سنی مذهب و آزاده اعتماد ندارند و در عوض لشکر فاطمیون مهاجرین افغان را به آن منطقه اعزام داشته اند .

۳ - عدم دفاع از حقوق مهاجرین افغان توسط رهبران تنظیمهای "جهادی" در پاکستان و ایران که بیشترین رقم مهاجرین فقیر افغان را دربرمیگیرند عمومیت دارد .

چند روز قبل عده از نسل جوان مهاجرین افغان در کمپهای پاکستان که پدران خود را نیز در راه بقدرت رسانیدن همین رهبران تنظیمهای "جهادی" در جنگ از دست داده اند، به پیشواز صد سالگی جشن استقلال افغانستان فقط چند بیرق ملی کشور را با خود حمل میکردند توسط پولیس پاکستان زندانی گردیده است .
کاملاً شرم آور است که هیچ یک از رهبران تنظیمهای "جهادی" و امیران خود ساخته در ارکه قدرت علیه این عمل خایبانه پولیس یک حرفی هم نه زده اند .

پایان.